

تحلیل اکولوژیک و فلسفه جغرافیا

دکتر حسین شکونی

نظریه‌ها و توانین در علم جغرافیا می‌انجامد. امروزه، هر نوشته جغرافیایی و یا هر نوشته علمی در سایر رشته‌های دانش بشری که فاقد نظریه باشد فاقد اعتبار علمی خواهد بود. چنان که ویلیام بانج^۳، جغرافیدان معروف، نظریه را، قلب علم می‌نامد و هر نظریه علمی را به مثابه کلیدی در حل مسائل فضای زندگی به شمار می‌آورد. ۳- تحلیل اکولوژیک، نظریه سیستمی را در مطالعات جغرافیایی مطرح می‌کند و اکوسیستمها نیز می‌توانند به عنوان مدل‌های جغرافیایی در همه سطوح مطالعاتی به کار گرفته شوند.

۴- تحلیل اکولوژیک، به عنوان پایه و اساس هرگونه برنامه‌ریزی محیطی محسوب می‌شود. به طوری که امروزه، کاربرد تحلیل اکولوژیک در انواع برنامه‌ریزیها یک امر کاملاً شناخته شده‌ای می‌باشد.

نگارنده، از ۲۵ سال پیش، تحلیل اکولوژیک را با توجه به دلایل فوق در تألیف کتاب فلسفه جغرافیا به کار گرفته است به طوری که از سطر اول کتاب که با تفکرات پرست جمز^۴ معروفترین جغرافیدان امریکایی شروع می‌شود و در جغرافیای معاصر دنیا به عنوان (مردی برای همه فصول) مشهور می‌باشد تا پایان کتاب، در یک خط فکری مشخص حرکت می‌کند و در روابط اکولوژیک با انسان و محیط، انسان سازنده در برابر محدودیت زندگی قرار می‌گیرد و بدیده‌های جغرافیایی می‌آفریند. اکنون نیز، در آموزش فلسفه جغرافیا، به ویژه در شروع تحصیلات دانشگاهی و حتی در کتابهای دبیرستانی نیز، تحلیل اکولوژیک را با توجه به سطح آگاهی دانشجویان، بهترین روش در درک فلسفه جغرافیا می‌داند و بر اعتبار علمی این تحلیل بیش از گذشته معتقد می‌باشد. حتی این خط فکری را برای همیشه در دانش جغرافیا ماندگار می‌دانم. اضافه می‌نماید که تحلیل اکولوژیک، اساس کار جغرافیدانان معروف جهان نظیر: دویده استودارت^۵، جان رایت^۶، و براین بری^۷ رئیس انجمن جغرافیدانان امریکا نیز بوده است.

حال جهت آشنائی بیشتر خوانندگان ارجمند با تحلیل اکولوژیک در فلسفه جغرافیا و پوشش همه جانبه این تحلیل در شاخه‌های مختلف جغرافیا تنها به ذکر چند نمونه اشاره می‌شود:

۱- اکولوژی فرهنگی در دانش جغرافیا، افقهای تازه‌ای در علم جغرافیا گشوده و به تفکرات فلسفی جغرافیا ابعاد گسترده‌ای بخشیده است. این شاخه از اکولوژی، به ویژه در تحلیل ساخت داخلی شهرها می‌تواند به پاره‌ای از ساختارهای اجتماعی-اقتصادی

جغرافیدانان زمان ما، به هنگام بحث در ماهیت و قلمرو جغرافیا، با توجه به پایگاههای فکریشان، یکی از تحلیل‌های زیر را به کار می‌گیرند:

الف - تحلیل فضائی که روی سازمان فضائی تأکید می‌کند.
ب - تحلیل اکولوژیک که روابط متقابل انسان و محیط او را در کانون توجه قرار می‌دهد.
ج - تحلیل ناحیه‌ای که ترکیبی از تحلیل اکولوژیک و تحلیل فضائی را مطرح می‌سازد.

راقم این سطور، در آموزش فلسفه جغرافیا، در ابتدای شروع تحصیلات دانشگاهی دانشجویان، تحلیل اکولوژیک را بر سایر تحلیل‌های جغرافیایی به دلایل زیر برتر می‌داند:

۱- تحلیل اکولوژیک، روابط متقابل انسان و محیط طبیعی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- تحلیل اکولوژیک، روابط انسان و محیط ساخت دست انسان را تبیین می‌کند: جغرافیای شهری، جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی شهری و اکولوژی مسکن از آن جمله است.

۳- تحلیل اکولوژیک روابط متقابل گونه‌های گیاهی و حیوانی را با محیط کنترل شده (sera) مورد توجه قرار می‌دهد. نظیر آنچه که امروزه، جهت تولید سبزیجات و میوه‌جات برای مصرف جمعیت مادرشهرهای اروپائی، امریکائی و حتی آسیائی در سراسر سال، محیط‌های کنترل شده‌ای ایجاد می‌شود.

پس در تحلیل اکولوژیک از روابط انسان و محیط یا پایگاه فلسفی جغرافیا، سه محیط طبیعی، ساخت دست انسان و محیط کنترل شده، یعنی همه محیط‌های سطح سیاره زمین مورد تأکید قرار می‌گیرد. علاوه بر این، در مکتب جغرافیای رفتاری^۱، محیط‌های دیگری مثل محیط زمینه‌ساز، محیط پدیداری، محیط فردی مورد عنایت و تحلیل واقع می‌شود^۲. علت تأکید اینجانب بر تحلیل اکولوژیک در فلسفه جغرافیا، بیشتر از نظر اعتبار بخشی به علم جغرافیا می‌باشد بدانسان که در زیر می‌آید:

۱- با تحلیل اکولوژیک در فلسفه جغرافیا، یکپارچگی، وحدت و کلیت علم جغرافیا تأمین می‌شود.

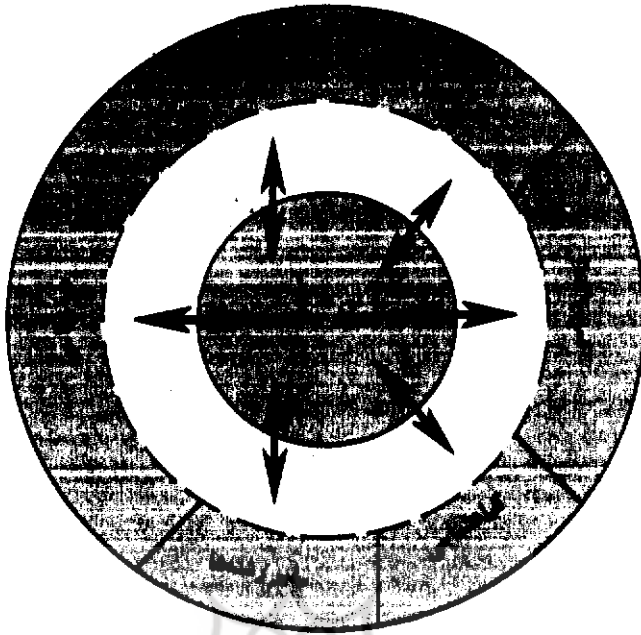
۲- تحلیل اکولوژیک در آموزش فلسفه جغرافیا، جغرافیای سیستماتیک (نظام‌پذیر) را اعتبار علمی می‌بخشد و به تدوین

شهرها پاسخگو گردد.

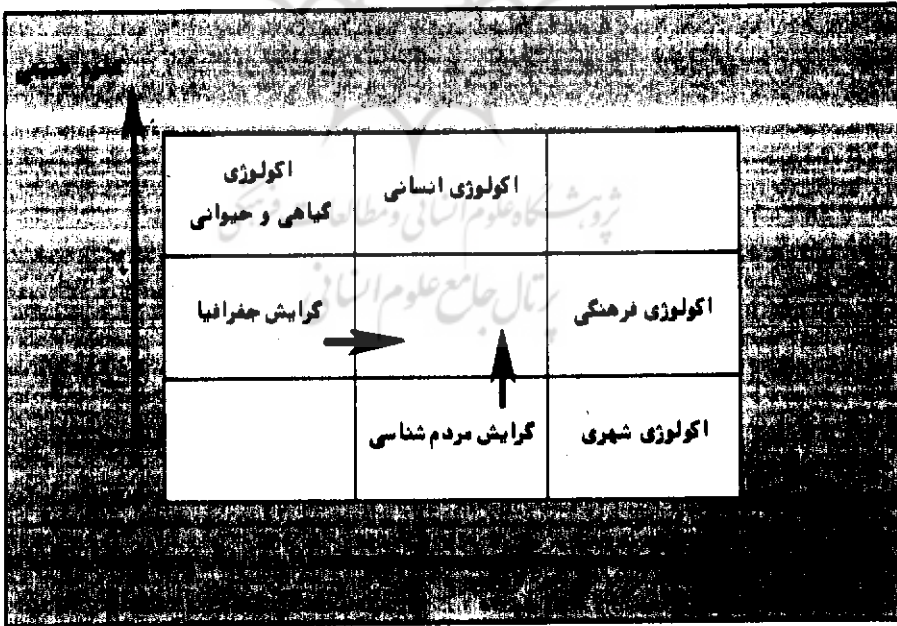
۲- هر چشم انداز کشاورزی، یک تحلیل اکولوژیک می طلبد که با تبیین رابطه ملت و معلولی پیوندی میان خصیصه های کشاورزی،

اکولوژی طبیعی و شرایط فرهنگی برقرار می گردد.

۳- در تحلیل اکولوژیک، سیستمهای شهری، سیستمهای بازی محسوب می شوند و همواره میان شهر و ناحیه، شهرها و مادر شهرهای



جغرافیا: روابط انسان و محیط
از: ریچارد موریل



گرایشهای تحلیل اکولوژیک
از: جیمز کلارکسن

از همه علاقه‌مندان به جغرافیا، به ویژه از آنها که به تفویض علمی معتقد می‌باشند و تکلیفی در وجدان خود احساس نمی‌کنند تقاضا می‌شود که نظر صریح و روشن خود را در مورد سؤال فوق به دفتر مجله رشد آموزش جغرافیا ارسال دارند. پاسخ‌های دریافتی را با صمیمیت و سپاس چاپ خواهیم کرد.

۴- تحلیل اکولوژیک را برای کتابهای جغرافیای دبیرستانها نیز سودمند می‌دانم. دبیران محترم جغرافیا نیز می‌توانند نظرات خود را در این باره به دفتر مجله ارسال دارند.

منابع و یادداشتها

- 1-Behavioural Geography.
- 2-J, Douglas Porteous. Environment and Behaviour. Addison Wesley. 1977. PP.145-146.
- 3-William Bunge.
- 4-Preston James.
- 5-David Stoddart.
- 6-John K. Wright.
- 7-Brain J.L. Berry.
- 8-P. Nijkamp. Environmental Economics Martinus Nijhoff Social Sciences- Divisions. Leiden 1976. PP. 51-64.
- 9-Feminst Geography, Geography and Gender.

۱۰- حسین شگوثی، فلسفه جغرافیا، گیتاشناسی، چاپ پنجم ۱۳۶۹.

در ارتباط با منبع شماره یک یادآور می‌شود که:

تحلیل انواع محیط‌ها و ریشه‌های محیط‌گرایی جدید به همراه همه تحولات در علم جغرافیا که در چند سال اخیر این دانش‌گهین را به مسیرهای تازه‌ای گشاییده است در تألیف جدید اینجانب به نام (ایدئولوژی، محیط و جغرافیا) به تفصیل مورد تأکید قرار گرفته است. امید آن که به زودی آماده چاپ شود.



سلطه، شهر و روستاها، یک دادوستد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جریان می‌باشد.

۴- اکولوژی جمعیت ما را با همه تأثیرات محیطی در پدیده‌های مختلف جمعیتی آشنا می‌سازد.

۵- اکولوژی زبانی، قادر است تأثیرات محیطی را در زبانهای مختلف تبیین کند.

۶- در اغلب موارد، جغرافیای فرهنگی، همان تحلیل اکولوژی فرهنگی از جوامع انسانی می‌باشد.

۷- تحلیل اکولوژیک، اقتصاد اکولوژیک را دوام می‌بخشد و اقتصاد ناحیه‌ای بر پایه قوانین اکولوژیک قرار می‌گیرد^۸.

۸- جغرافیای جنسیت^۹ که در دو سال اخیر به صورت یکی از شاخه‌های مهم علم جغرافیا درآمده است روابط جنس زن و جنس مرد را با محیط‌زیست خود مورد مطالعه قرار می‌دهد به ویژه روی روابط زنان با محیط تأکید می‌گردد. این شاخه از جغرافیا، تاکنون از نظر جغرافیدانان به کلی فراموش شده بود.

۹- سیستمهای جغرافیایی، سیستمهای بازی هستند یعنی از عوامل و شرایط خارجی نیز تأثیر می‌پذیرند. از این رو، تحلیل اکولوژیک در جغرافیا می‌تواند به صورت سیستم باز عمل کند و تأثیرات عوامل خارجی را نیز در ساختارهای اکولوژیک داخلی دخالت دهد. ۱۰- تأکید من روی تحلیل^{۱۱} اکولوژیک در فلسفه جغرافیا، بیشتر به جهت حفاظت از کلیت علم جغرافیا می‌باشد.

در مقابل وجوه قدرت فوق تحلیل اکولوژیک دارای نقاط ضعفی به شرح زیر است:

تحلیل اکولوژیک در پاره‌ای از مکتبها مثل مکتب اکولوژی شهری شیگاگو، قیاس اکوسیستم طبیعی با جامعه انسانی است بدانسان که در نظریه پرداز این مکتب، رابرت پارک آمده است.

بحث را کوتاه می‌کنم و تأکید دارم تا زمانی که نتوانیم به یک تحلیل مشخص در فلسفه جغرافیا دست یابیم نمی‌توانیم در تدریس آن به دانشجویان توفیق پیدا کنیم. حال زمان آن فرارسیده است که طرح پیشنهادی خود را به شرح زیر مطرح کنم:

در تدریس فلسفه جغرافیا، به هنگام شروع تحصیلات دانشگاهی با توجه به مبتدی بودن دانشجویان، کدامیک از تحلیلهای جغرافیایی را مفید می‌دانند دلائل علمی خود را مرقوم فرمائید.

لازم به یادآوری است که به هنگام پاسخگویی به سؤال فوق، چند موضوع اساسی در نظر گرفته شود:

- ۱- علم، وصف تحلیلی می‌باشد.
- ۲- فلسفه، مطالعه قانون علت و معلولی، با مطالعه کلی‌ترین قوانین حاکم بر پدیدارهای جهان می‌باشد.
- ۳- فلسفه جغرافیا، با توجه به موارد بالا، تاریخ مفاید جغرافیایی نمی‌باشد و اگر در فلسفه جغرافیا خط مشخص فکری تعقیب نشود سخت به بیراهه می‌رویم و به‌براکنده‌گویی مبتلا می‌شویم.